

ربع رشیدی

تهمینه رئیس السادات*

اشاره

آن طور که از وقفنامه ربع رشیدی برمی آید خواجه رشیدالدین در ساختن ربع رشیدی هم پیشرفت دنیوی و هم سعادت اخروی را مدنظر داشته است. او در این مورد شواهد و احادیث و آیاتی از قرآن بیان می کند و اعمال صالحه را با سیئه مقایسه می کند و بهترین اعمال را خیرات جاریه یا وقف دانسته است. او در تمام عمر و حتی قبل از احداث ربع رشیدی دست به ساختن اماکن دیگری هم زده است و می افزاید که هیچ گاه این عمارات جزئی او را قانع نمی کرده است و همیشه در این فکر بوده است که تأسیساتی به وجود بیاورد تا هم باعث توسعه علوم شود و هم خود فیضی از صحبت با اهل علم ببرد اما گرفتاری های سیاسی او مانع اشتغال بیش از حد به این مسائل بوده است. پس می توان این گونه برداشت کرد که یکی از اهداف ربع رشیدی همان اشتیاق علمی و شوق زاید الوصف او به درک معانی و حقایق اشیاء بوده است. و همچنین به جا گذاردن خیرات جاریه. زیرا رشیدالدین فضل الله نه تنها سیاست مداری خیره و قدرتمند بوده است بلکه خود طیبی حاذق و دانشمند و نویسنده و مورخی عالقدر به شمار می آید او تمامی این موفقیت ها را نتیجه توفیق خداوند می داند.^۱

موقعیت مکانی ربع رشیدی:

یکی از ویژگی های بدیع معماری دوران مغولان ساختن مجتمع های معماری در محلات نو ساخته شهر همچون شنب غازانی و ربع رشیدی تبریز است.^۲ مهمترین حوزه های علمی در زمان ایلخانان در تبریز و سلطانیه و مراغه ایجاد شد. رشیدالدین منارس و حوزه های تدریس متعدد در نقاط مختلف کشور ایجاد کرد و بزرگترین آن ربع رشیدی بود.^۳

*. دانشجوی کارشناسی تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد

۱- بروشکی، محمد مهدی: بررسی روش اداری و آموزشی و ربع رشیدی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵، ص ۶۱

۲- آتینگهاوزن و دیگران: ایلخانان، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵.

۳- رجب زاده، هاشم: آیین کشورداری در عهد وزارت خواجه رشید الدین فضل الله همدانی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۵، ص ۲۹.

درواقع می توان گفت ربع رشیدی مجموعه ساختمان هایی است که در اواخر قرن ۷ و اوایل قرن ۸ به امر خواجه رشید الدین فضل ا... که وزیر سلطان محمود غازان بود ساخته شد.^۱ و آن در آخر محله ششکلان تبریز که به محله باغمیشه منتهی می شود.^۲ در طرف چپ در دامنه کوه سرخاب و یا به قول حمدا... مستوفی در طرف کوه ولیان داخل باروی غازانی در محلی بسیار باصفا واقع بود و از هر طرف محدود به باغ ها و اشجار و از حیث آب و هوا بهترین نقطه تبریز به شمار می رفت.^۳

وسعت و عظمت ربع رشیدی

درواقع می توان گفت محله یا ریض بزرگی که رشیدالدین در تبریز ساخت، با حق مالکیت نامشروط به وی تعلق داشت. در نامه او به پسرش سعدالدین، حاکم قنسرین و عواصم آن چنان توصیف گردیده که خالی از فخر و مباهات نیست. وی مدعی است که در این محله سی هزار خانه (که البته سه هزار خانه درست تر می رسد)، بیست و چهار کاروان سرا، هزار و پانصد دکان، حمام، باغ، آسیاب، شعربافی، کاغذسازی، رنگرزخانه، دارالضرب و غیره وجود داشت. رشید الدین شماری از اهل صنایع را به این ریض آورد و از پسرش خواست پنجاه صوف باف از انطاکیه و کیلیکیه و بیست نفر دیگر از قبرس طلب کند و روانه دارالسلطنه تبریز کند.^۴ رشیدالدین در مکتوبی تأسیسات ربع رشیدی را شرح داده است و می نویسد که در آن جا گروه هایی از اصناف، مدرسان و طالبان علم را ساکن گردانیده است. از جمله چهارصد نفر از علما و فقها و محدثان را در محله ای به نام کوچه علما و هزار طالب علم دیگر را که از ممالک اسلامی به آن جا گرد

۱- دیباج، اسماعیل: *انثار باستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان*، تهران، انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران، ۱۳۳۶، ص ۷۳.

۲- جوادی، شفیق: *تبریز و پیرامون*، تبریز، بنیاد فرهنگی رضا یهلوی، ۱۳۵۰، ص ۱۰۶؛ دهخدا: *لغت نامه دهخدا*، ذیل ربع رشیدی.

۳- مستوفی، حمدا...: *نزه القلوب*، به کوشش: محمد دبیر سیاقی، تهران، طهوری، ۱۳۳۶، ص ۸۷.

۴- بطروشفسکی: *تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان*، «در تاریخ ایران کمبریج»، ترجمه: حسن انوشه، گرد آورنده: جی. آ. بویل، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶، جلد ۵ ص ۴۸۴.

آمده بودند در تبریز مقیم گردانید و وجه معیشت و مقرری ایشان را برقرار داشت. رشیدالدین در این کار و در این مرکز علمی نظارت دقیق داشت. چنان که خود معین کرد که هر گروه از طالب علمان پیش کدام مدرس تحصیل علم کنند و با ملاحظه استعداد هر متعلمی او را به خواندن علمی که مناسب او بود از اصول و فروع و نقل و عقل بگذارد. به علاوه دانشمندی از هنر و چین و روم برای تدریس دعوت کرد و آن ها را در ربع رشیدی ساکن گردانید و درواقع این مرکز را به صورت یک مجمع علمی بین المللی درآورد. رشیدالدین به تأسیسات این مرکز مانند مدارس و بیت التعلیم، بیت الکتب، دارالمصاحف و دارالحفاظ اشاره دارد.^۱

رشیدالدین بر ربع رشیدی ۲۲۰ نفر غلام ترک قزوینی، رومی، گرجی و هندی و روسی و زنگی و غیره و ۲۰۰ نفر کنیز وقف کرد. ۱۵۰ نفر از این ها در باغات وقفی، ۵۰ نفر در باغ فتح آباد و ۱۰۰ نفر در باغ رشیدآباد کار می کردند. آن ها زمین ها را شخم می کرده و تاک و درختان میوه می کاشتند، جوی های آب راه می انداختند و دیوارها را تعمیر می کردند و در مقابل کارشان یک چهارم محصول را دریافت می کردند.^۲

قسمت های مختلف ربع رشیدی

ربع رشیدی به عنوان یک مرکز علمی - فرهنگی دارای قسمت های مختلفی بوده است:

بیت التعلیم

که در آن به کودکان خردسال، مخصوصاً کودکان کارکنان ربع رشیدی و عده ای کودکان یتیم و بی سرپرست تبریز آموزش خواندن و نوشتن داده می شود که درواقع همان مدارس ابتدایی امروز بود.^۳

۱- رجب زاده، هشتم: همان، ص ۲۹؛ کارنگ، عبدالملی: *اثار باستانی آذربایجان*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۴، چاپ دوم، ص ۱۶۳.

۲- لمبتن، آن: *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، بی نا، ۱۳۷۲، چاپ اول، ص ۱۵۸.

۳- بروشکی، محمدمهدی: همان، ص ۱۱۹.

مدارس عالی

نگهداری دانشجویان در ربع رشیدی به صورت شبانه روزی و تأمین کلیه مایحتاج رفاهی آن ها اعم از غذا و پوشاک، مسکن، بهداشت، حمام، امور درمانی و حتی دادن میالنی پول به عنوان کمک هزینه بوده است و نیز تأمین وسایل رفاهی مدرسان و دیگر کارکنان ربع رشیدی به علاوه تهیه و تعیین محل سکونت جهت خانواده ی آنها در محلات شهرستان رشیدی غیر از دفتر کاری که در خود ربع رشیدی مختص هریک از استادان بود که درست مثل دانشگاه های امروزه است.^۱

اصولاً تمام مخارج دانشگاهی و علمی ربع رشیدی براساس موقوفات بوده است و این درست مفهوم بیشتر دانشگاه های امروزی آمریکایی می باشد که با موقوفات اداره می شوند.

کتابخانه ربع رشیدی

رشیدالدین در دو بیت الکتب یا کتابخانه ربع رشیدی هزار مجلد مصحف از نسخه های مذهب و بسیاری هم به خط خوشنویسان معروف و دیگر شصت هزار مجلد کتاب^۲ در انواع و تواریخ و اشعار و امثال و حکایات و غیر آن که از نواحی ایران و ممالک دور و نزدیک فراهم آورده و وقف بیت الکتب ربع رشید نموده بود.^۳

آن چه به حل طلا نوشته است ۳۰۰ عدد

آن چه به حل یاقوت نوشته است ۱۰ عدد

آن چه به خط ابن مقله است عدد^۴

پس از قتل خواجه رشید الدین و به غارت رفتن کتابخانه، بسیاری از کتب به فتوای معاندین و مخالفین خواجه سوخته شد و بسیاری دیگر از بین رفت.^۵

۱- همان، ص ۱۳۲.

۲- جوادی، شفیع: همان، ص ۱۰۸.

۳- رجب زاده، هاشم: همان، ص ۴۱.

۴- همدانی، خواجه رشید الدین فضل...: مکاتبات رشیدی، تصحیح: محمد شفیع، پنجاب، ۱۳۶۷ قمری، ص ۳۳۶.

۵- رهنما، مجید: همان، ص ۱۲۰.

دارالشفای ربیع رشیدی

همچنین خواجه رشیدالدین پنجاه طبیب حاذق که از دیار هند و مصر و چین و شام و دیگر ولایات آمده بودند، در دارالشفای مشغول به کار طبابت کرد و پیش هر کدام از آن ها ده نفر طالب علم مستعد مشغول فراگرفتن فن پزشکی بودند.^۱

این مؤسسه وابسته به مؤسسات دینی چون مسجد و مدرسه بود و مقدری کارکنان آن نیز از طریق مؤسسه ای که به آن وابسته بود تأمین می شد. رئیس بیمارستان را ساعور می گفتند که از بین علمای با صلاحیت انتخاب می شد. او فردی بود که کارکنان بیمارستان تحت نظارت او به کار اشتغال داشتند و عزل و نصب پزشکان با او بود.^۲

خانقاه

رشید الدین به تصوف علاقه ی خاصی داشت و گروه صوفیه نزد او از احترام فراوان برخوردار بودند و همچنین او به شیخ صفی الدین اردبیلی کمک های مالی فراوان نمود. در اوایل در این خانقاه یک نفر شیخ و پنج نفر صوفی را ساکن گردانید ولی بعدها تعداد صوفیان را به ده نفر افزایش داد و همه امکانات رفاهی از قبیل مسکن و غذا و بهداشت را برای آن ها فراهم کرده بود. صوفیان می بایست فقط ۵ سال در خانقاه ربیع رشیدی ساکن باشند و سپس به سیر و سیاحت بپردازند و تأسیساتی مانند کتابخانه و خدمه و آشپزخانه داشت.^۳

دارالضیافه

(مهمان سرا) برای پذیرایی کارکنان ربیع رشیدی بود و همچنین مسافران و مهمانان. این قسمت شامل دو ساختمان بزرگ دو طبقه بوده است که ساختمان طرف راست به صورت

۱- کارنگ، عبدالملی: همان، ص ۱۶۲؛ نادر میرزا: تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز، تصحیح: غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز: انتشارات ستوده، ۱۳۷۳، چاپ اول، صص ۱۹۷.
 ۲- بیانی، شیرین: دین و دولت در عهد مغول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱، چاپ اول، جلد ۲، ص ۵۲۶.
 ۳- بروشکی، مهدی: همان، ص ۱۳۷.

پانسیون برای ساکنان ربع رشیدی مثل مدرسان و معلمان و کارکنان بود. به مسافران دو وعده غذا در ساختمان سمت چپ دارالضیافه داده می شد یکی چاشتگاه و دیگری شام.^۱

دارالمساکین

که البته داخل ربع رشیدی نبوده بلکه متصل به آن و شهرستان رشیدی بوده است و روزی به صد نفر از فقرای تبریز غذای رایگان داده می شده است.^۲

دارالمصاحف

جایی که در آن کتب دینی و حدیث و به ویژه قرآن استنساخ و نگهداری می شده است.^۳

مسجد صیفی

یا مسجد تابستانی که در قسمت جنوبی روضه قرار داشته است.

مسجد شطری

یا مسجد زمستانی اتاق گنبدداری که در جنوب غربی روضه بوده است.^۴

سرانجام ربع رشیدی

رشیدالدین فضل ... دشمنانی داشت. وجود این دشمنان با برکشیده شدن وی به قدرت اجتناب ناپذیر بود. اتهام یهودی بودن او نیز این دشمنی را تشدید می کرد. بالاخره رشیدالدین در سال ۷۱۸ هجری قمری در حالی که بالغ بر هفتاد سال داشت همراه فرزندش ابراهیم به اتهام مسموم ساختن اولجایتو به قتل رسید او را به دو نیم کردند و سرش را به تبریز فرستادند و ربع رشیدی را به غارت بردند.^۵

۱- همان، ص ۷۵.

۲- بروشکی، مهدی: همان، ص ۷۵.

۳- Blair, Sheila, "Ilkhanid Architecture and society", Iranian Studies, xxII/۱۹۸۴, p:۸۴.

۴- Ibid, p: ۸۵.

۵- لمبتن، آن، همان، ص ۱۵۸.

آن‌ها تمام آثار زیبا و نفایس را به کلی معدوم کردند و تمام سنگ و آجر آن بنای عظیم را کردند و فقط در بعضی قسمت‌ها علامت دیوار و پایه‌های طاق نمایان است و تکه پاره‌ی کاشی‌ها و کتیبه‌های شکسته و فرسوده با خطوط عالی از زیر خاک پیدا می‌شود.^۱

عبدالرزاق سمرقندی در مورد این حادثه این‌گونه بیان می‌کند که

«از ربع رشیدی و خانه‌های وزیران چندان مرصعات و اقمشه و امتعه و کتب نفیس بیرون آوردند که شرح آن را قلم توان کرد و با آن که ارزان می‌فروختند جمعی از مردم بی‌نوا از آن جمعیت تمام اندوختند و زیادت از هزار خانه که با وزیر هیچ نسبت نداشت بدین بهانه غارت یافت.»^۲

از مشهورترین بلاهایی که بر سر تأسیسات ربع رشیدی آمده تخریب و انهدام آن به وسیله میران شاه گورکانی پسر تیمور است که مدتی از طرف پدر بر نواحی غربی متصرفات تیمور حکومت می‌کرده است. وقتی میران شاه به حکومت تبریز منصوب شد به طور دیوانه وار دستور به کوبیدن و ویران کردن آثار و ابنیه زیبایی تبریز و سلطانیه را داد.^۳

گفته شده در سال ۷۵۲ فردی به نام ملک اشرف آن محل را اشغال کرد و برای استحکامات آن دستوراتی داد بر طبق نوشته یکی از کتب خطی، کسان و پیروان او، خانواده خود را به آن جا منتقل کردند و به زودی مساجد عالی و مریضخانه و مدارس در آن جا ساختند.^۴

در عالم آرای عباسی به این نکته برمی‌خوریم که در زمان شاه عباس اول در سال ۱۰۱۹ دستور داده شد

۱- نخجوانی، حاج حسین، *چهل مقاله*، تبریز، بی‌نا، ۱۳۴۲، ص ۲۱.

۲- سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق: *مطلع السعدین و مجمع البحرین*، به اهتمام: عبدالحسین نوایی، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۳، ص ۱۲۹.

۳- کلاویخو: *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴، ص ۱۷۱.

۴- ویلبر، دونالد: *معماری اسلامی در دوره ی ایلخانان*، ترجمه: عبدالله فریار، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵، چاپ دوم، ص ۱۴۱.

«دامنه کوه سرخاب مصالح و ضروریات از عمارات مهندسه تبریز خصوصاً شنب غازان به ربع رشیدی بیاورند و با این دستور در آن جا حسن حسینی ساختند و حاکم تبریز به آن جا نقل مکان کرد.»^۱

او به تعمیر قلعه رشیدیه پرداخت و آن را به شکل اولیه بازگردانید ولی سلاطین صفویه پس از شاه عباس تعمیر قلعه را مصلحت ندیده و به حال خود گذاشتند تا ویران شد.^۲ امروزه هیچ یک از عناصر حومه رشیدیه در محل به صورت واضحی قابل تشخیص نیست آن چه بیش از همه آشکار است پایه برج ها و خط دیوار استحکامات دور حومه است که بر روی بزرگترین تپه های آن ناحیه قرار دارد. ممکن است این استحکامات همان هایی باشند که شاه عباس در اوایل قرن یازدهم هجری در آن محل بنا کرده است. قاطع ترین نشانه مبنی بر این که در این محل در زمان مغول ساختمان هایی درست شده است وجود قطعات سفال کاشی است که بسیاری از آن ها شبیه قطعات متعلق به مقبره غازان خان و همچنین شبیه تزئینات و ابنیه تاریخ دار آن دوره است. این قطعات شامل کاشی های هشت گوش لمابدار نیلی و آبی می باشد که لعاب برخی قسمت های آن کنده شده است.^۳

وقف نامه ربع رشیدی

یکی از اسناد مهم مربوط به ربع رشیدی وقف نامه ای است که از آن باقی مانده است و از جمله مفصل ترین وقف نامه ها در تاریخ ایران بعد از اسلام است.

۱- متن قسمت اساسی وقف نامه که حدود و شرایط وقف نامه و وظایف در آن است به خط رشید الدین و در آغاز، صفحه ای تذهیب شده دارد حاوی نام وقف نامه با سه شمسه و در میان این سه شمسه به خط رشید الدین این عبارت حاکی است:

۱- ترکمان، اسکندر بیگ: *تاریخ عالم آرای عباسی*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲، چاپ سوم، ج ۴، ص ۸۲۶

۲ نخجوانی، حاج حسین: همان، ص ۲۱.

۳- ویلیز، دونالد: همان، ص ۱۴۲.

«در شرط مؤکد با فرزندان خویش نسل بعد از نسل و عقباً بعد عقب می‌کنم و در مقابله حقوق پدری که در ذمت ایشان عقلاً و شرعاً و عرفاً لازم است در عهده ی ایشان کرده سوگندی غلاظ و شداد ایشان را می‌دهم خصوصاً با آن‌ها که بر حسب شرط واقف در هر عهده‌ی نوبت تولیت و اشراف و نظر بدیشان رسد و مباشر این اشغال خیر گردند و در آن چه این وقفیه را به هر ماهی یکم نوبت مطالعه کنند تا بر احوال شروط آن کمابینی واقف شوند و در کیفیات تصرفات واقف گردند و نیز نصیحتی که ایشان را کرده ام ملکه گردد تا در محافظت شروع آن به اقصی الغایه بکوشند و نصایح را به دل و جان قبول کنند و رعایت آن را واجب شمارند تا حق سبحانه و تعالی و جمیع ملائکه و انبیاء و اولیاء و روح این ضعیف به واسطه ی امانت و دیانت و نیکو زندگانی ایشان راضی باشند و ایشان را نیک نامی دنیوی و ثواب اخروی مؤخر گردد انشاء... تعالی»^۱

در این وقف نامه، خواجه رشید الدین پس از بحث مقدماتی و مفصلی درباره اهمیت وقف به معرفی وقفیات خود بر ریع رشیدی می‌پردازد. این وقفیات شامل املاک، مستغلات، دام‌ها و... است که در مناطق مختلف قلمرو ایلخانی از یزد تا آسیای صغیر وجود داشته‌اند. او در مکاتبات رشیدی این وقفیات را اینگونه بیان می‌کند: گله‌های اسب از مادیان و غیره که در روم و دیار بکر و شام و تبریز و شیراز و کرمان است سی هزار رأس می‌باشد. دیگر پنج هزار شتر ماده. گله‌های گوسفند که در روم و بغداد و دیار بکر و شیراز و تبریز و اصفهان و مازندران و خراسان و لرستان ک به دست کدخدایان احشام سپرده ام پانصد گله است و هر گله پانصد رأس است که روغن و کشک و پشم آن سال به سال صرف خیرات و میراث کنند.^۲

همچنین بیست هزار قطعه مرغ که به دست دهقانان تبریز و سلطانیه و همدان سپرده و وقف کرده است بر دارالشفای ریع رشیدی و دارالمرضا سلطانیه و بیت الادویه همدان تا نتایج آن را

۱- افشار، ایرج: «تربیع رشیدی»، مجله بررسی‌های تاریخی، تهران: ۱۳۴۹، سال پنجم، شماره ۴، ص ۲۵۴.

۲- همدانی، خواجه رشیدالدین فضل...: مکاتبات رشیدی، تصحیح: محمد شفیع، پنجاب، ۱۳۶۷ قمری، ص ۲۳۵.

صرف بیماران کنند. ده هزار رأس گاو نر و هزار رأس دراز گوش وقف کرده است. پانصد نفر غلام به فرزندان ذکور و سیصد نفر کنیزک به فرزندان اناث داده ام.

دیگر اثاثات و قنادیل و شمع دان ها و آلات طبخ و آلات دارالشفا که ذکر آن از حد بیرون است. هزار خمره شربت که از چین آورده اند و اسم هر شربت را روی آن نوشته اند. دیگر صد و بیست هزار کر (هر کر شش خروار است) غله که در ممالک ایران منبرست به فرزندان ذکور و اناث داده است. دیگر این که مقداری درهم و دینار که به دویت و پنجاه تومان می رسد به تجار امین سپرده است و به مولانا شمس الدین ابرقوهی داده است که این وجوهات را پس از مرگش بر پادشاه وقت و فرزندان ذکور و اناث و حرم ها و خواجه سرایان آزاد و غیره تقسیم کنند.^۱ همچنین او ولایات بوانات (مراد غصبه ی ناحیه بادغیس است) و مروک یامرو کوچک و سه جهان (قلعه سه جهان) را وقف ربیع رشیدی و مدرسه هرات کرده است.^۲

۲- تسجیلات متعدد از علما و فقها و قضات و ارباب دیوان از قبیل محمدبن عبدالسلام بن عبدالحمید بن عبدالحمید جرفادقانی و محمودبن یوسف فخر همدانی و مسعودبن سعد بن محمد یزدی و... و عده ی کثیر دیگری که از سال های ۷۰۹ به بعد و نیز گواهی هایی از سال های ۷۵۰ و ۷۸۵ در آن است.^۳

پایه برجی در ربیع رشیدی

پایه این برج مستطیل و بدنه اش شکل بیضی دارد و از هر سوی آن قطعه سنگهای بزرگ مقبره الشعراى سرخاب و الواح درشت مقابر و سنگ های تراش عمارات اطراف سر برآورده و آدمی را متأثر می سازد که چگونه یک ضرورت تاریخی و یا یک کوه فکری در تهیه مصالح بنای این قلعه، تمام آثار فرهنگی یک شهر را بر یاد داده است.

۱- همان، ص ۳۳۸.

۲- همان، ص ۳۳۰.

۳- افشار، ایرج «ربیع رشیدی»، مجله بررسی های تاریخی، ص ۲۵۴.

کتابنامه

- ۱- اشپولر، برتولد: *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه: محمود میرآفتاب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸، چاپ سوم.
- ۲- آتینگهاوزن و دیگران: *ایلخانان*، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۸۴، چاپ اول.
- ۳- افشار، ایرج: *ربیع رشیدی، مجله بررسی های تاریخی*، سال پنجم، شماره ۴، تهران، ۱۳۴۹.
- ۴- بیانی، شیرین: *دین و دولت در عهد مغول*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱، چاپ اول، جلد ۲.
- ۵- بروشکی، محمدمهدی: *بررسی روش اداری و آموزشی در ربیع رشیدی*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.
- ۶- بطروشفسکی: *از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان*، «در تاریخ ایران کمبریج»، ترجمه: حسن انوشه، گردآورنده: جی. آ. بویل، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶، جلد ۵.
- ۷- جوادی، شفیع: *تبریز و پیرامون*، تبریز، بنیاد فرهنگی رضا پهلوی، ۱۳۵۰.
- ۸- دیباج، اسماعیل: *آثار باستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان*، تهران، انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران، ۱۳۴۶.
- ۹- ترکمان، اسکندریک: *تاریخ عالم آرای عباسی*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲، چاپ سوم، جلد ۴.
- ۱۰- رجب زاده، هاشم: *ابین کشورداری در عهد وزارت خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی*، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۵.
- ۱۱- رهتما، مجید: *مجموعه خطابه های تحقیقی در مورد خواجه رشیدالدین فضل الله*، تهران، هیأت انتشارات مجموعه، ۱۳۵۰.
- ۱۲- سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق: *مطلع السعدین و مجمع البحرین*، به اهتمام: عبدالحسین نوایی، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۳.
- ۱۳- کارنگ، عبدالملی: *آثار باستانی آذربایجان*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۴، چاپ دوم.
- ۱۴- دهخدا، لغت نامه دهخدا.
- ۱۵- کلاویخو: *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
- ۱۶- لمبتن، آن: *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، بی نا، ۱۳۷۲، چاپ اول.

- ۱۷- مستوفی، حمدا...: *نزه القلوب*، به کوشش: محمد دبیر سیاقی، تهران، طهوری، ۱۳۶۶.
- ۱۸- نخجوانی، حاج حسین: *چهل مقاله*، تبریز، بی نا، ۱۳۴۳.
- ۱۹- نادر میرزا: *تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز*، تصحیح: غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز، انتشارات ستوده، ۱۳۷۳، چاپ اول.
- ۲۰- ویلبر، دونالد: *معماری اسلامی در دوره ی ایلخانان*، ترجمه: عبدا... فریار، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵، چاپ دوم.
- ۲۱- همدانی، خواجه رشیدالدین فضل ا...: *مکاتبات رشیدی*، تصحیح: محمد شفیع، پنجاب، ۱۳۶۷ قمری.
- ۲۲- Blair, Sheila, "Ilkhanid Architecture and society", Iranian studies, xxii/۱۹۸۴.

